



One-Sided Narratives: A Pathological Study of Perspective in the Oral History of the Sacred Defense

Marjan Borhani

Assistant Professor Department of History, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran

Abstract: Oral history, as a crucial tool for documenting historical events, holds significant importance in recording and reconstructing the experiences and memories of individuals during major events such as wars and revolutions. In this context, the oral history of the Sacred Defense, given the diversity and breadth of narratives from combatants, commanders, civilians, and martyrs' families, is considered a vital source for understanding various dimensions of the imposed war. However, one of the fundamental problems in the oral historiography of the war is the existence of "one-sided narratives" that view events solely from the perspective of specific groups or individuals, ignoring other viewpoints. This type of narrative can lead to the distortion of facts and an incomplete understanding of the war's dimensions. Given the above, the main question of this article is how a one-sided perspective is formed in the oral history of the Sacred Defense and what impact it has on the public's understanding of this event. This article analyzes the challenges and limitations in the oral history of the Sacred Defense and examines the causes of one-sided narratives, using critical concepts and methodologies proposed by Western researchers in oral history studies and social analyses, particularly in postcolonial, feminist, and critical social fields. The research findings indicate that one-sided narratives can present an inaccurate picture of the war and its effects on society, and this can influence how future generations understand the war.

Key Words: Oral history, One-sided narratives, Sacred Defense, Perspective, Pathological Study of Narratives.

روایت‌های یک‌سویه: آسیب‌شناسی زاویه دید در تاریخ شفاهی دفاع مقدس

مرجان برهانی

استادیار، گروه آموزشی تاریخ و ایرانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، استان کرمان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶

چکیده

تاریخ شفاهی به عنوان یکی از ابزارهای مهم مستندسازی رویدادهای تاریخی، در ثبت و بازسازی تجربیات و خاطرات افراد در حوادثی مهم همچون جنگ‌ها و انقلاب‌ها اهمیت زیادی دارد. در این میان، تاریخ شفاهی دفاع مقدس، با توجه به تنوع و گستردگی روایت‌ها از سوی رزمندگان، فرماندهان، غیرنظامیان و خانواده‌های شهدا، یکی از منابع مهم برای فهم ابعاد مختلف جنگ تحمیلی به شمار می‌آید. با این حال، یکی از مشکلات اساسی در تاریخ‌نگاری شفاهی جنگ وجود «روایت‌های یک‌سویه» است که فقط از زاویه دید گروه‌ها یا افراد خاص به وقایع نگاه می‌کند و سایر دیدگاه‌ها را نادیده می‌گیرد. این نوع روایت‌ها می‌تواند به تحریف واقعیت‌ها و عدم درک کامل ابعاد جنگ منجر شود. با توجه به آنچه گفته شد، پرسش اصلی مقاله این است که چگونه زاویه دید یک‌جانبه در تاریخ شفاهی دفاع مقدس شکل می‌گیرد و چه تأثیراتی بر فهم و درک عمومی از این رویداد دارد. این مقاله با استفاده از مفاهیم و متدولوژی‌های نقادی که در مطالعات تاریخ شفاهی و تحلیل‌های اجتماعی پژوهشگران غربی به ویژه در حوزه‌های پسااستعماری، فمینیستی و انتقادی اجتماعی مطرح شده‌اند، چالش‌ها و محدودیت‌های موجود در تاریخ شفاهی دفاع مقدس را تحلیل و علل ایجاد روایت‌های یک‌سویه را بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد روایت‌های یک‌سویه می‌توانند تصویری نادرست از جنگ و تأثیرات آن بر جامعه ارائه دهند و این امر می‌تواند بر نحوه درک نسل‌های آینده از جنگ تأثیرگذار باشد.

واژه‌های کلیدی: تاریخ شفاهی، روایت‌های یک‌سویه، دفاع مقدس، زاویه دید، آسیب‌شناسی روایت‌ها.

* Corresponding Author: Marjan Borhani

E-mail address: marjan.borhani62@gmail.com

Copyright2025@ Documents and National Library of the Islamic Republic of Iran. All rights reserved

مقدمه

تاریخ شفاهی به عنوان یک ابزار قدرتمند در ثبت و مستندسازی رویدادهای تاریخی، به ویژه در شرایط بحرانی همچون جنگ‌ها و انقلاب‌ها، نقشی بسیار مهم ایفا می‌کند. این روش به ما امکان می‌دهد تا روایت‌های مستقیم و انسانی از تجربه‌های فردی و جمعی در این رویدادها را جمع‌آوری کنیم و آنها را در کنار تاریخ‌نگاری رسمی و مستندات مکتوب قرار دهیم. در رابطه با جنگ تحمیلی ایران که از بزرگ‌ترین و تراژیک‌ترین رخدادهای تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید، تاریخ شفاهی می‌تواند ابزاری بسیار مؤثر برای درک ابعاد انسانی، اجتماعی و فرهنگی این جنگ باشد. هرچند روایت‌هایی متعدد و متنوع از این جنگ از سوی رزمندگان، فرماندهان، غیرنظامیان و خانواده‌های شهدا وجود دارند، در عین حال، تاریخ شفاهی دفاع مقدس با چالش‌هایی خاص مواجه است که یکی از برجسته‌ترین آنها «روایت‌های یک‌سویه» است. «روایت‌های یک‌سویه» به آن دسته از روایت‌هایی اطلاق می‌شود که در آنها، فقط از زاویه دید یک گروه خاص، قشر اجتماعی یا ایدئولوژی خاص به وقایع نگاه می‌شود و دیگر دیدگاه‌ها و تجربه‌ها به طور عمدی یا غیرعمدی نادیده گرفته می‌شوند. این نوع روایت‌ها که گاهی با اهداف خاص سیاسی، اجتماعی یا ایدئولوژیک شکل می‌گیرند، می‌توانند تصویری نادرست و ناقص از تاریخ و جنگ به جامعه ارائه دهند. در نتیجه، چنین روایت‌هایی نه فقط موجب تحریف واقعیت‌ها می‌شوند، بلکه ممکن است باعث شکل‌گیری تصورات غلط و یک‌جانبه در نسل‌های آینده شوند.

مسئله اصلی این پژوهش بررسی «روایت‌های یک‌سویه» در تاریخ شفاهی دفاع مقدس و آسیب‌شناسی ابعاد مختلف آن است. این مسئله زمانی اهمیت می‌یابد که مشاهده می‌شود روایت‌های غالب تاریخ شفاهی، به ویژه در ارتباط با جنگ تحمیلی، عمدتاً از زاویه دید خاصی روایت شده‌اند که ممکن است جنبه‌های دیگر این رویداد تاریخی را نادیده بگیرد. این مسئله می‌تواند نه فقط بر فهم

دقیق و جامع از جنگ تأثیر بگذارد، بلکه ممکن است تصویری نادرست از تجربیات مختلف افراد و گروه‌ها در این دوران ارائه دهد. به همین دلیل، ضرورت آسیب‌شناسی این نوع روایت‌ها و شناسایی عوامل ایجاد آن امری حیاتی برای تاریخ‌نگاری صحیح و جامع است. با توجه به آنچه گفته شد، هدف این پژوهش تحلیل و آسیب‌شناسی «روایت‌های یک‌سویه» در تاریخ شفاهی دفاع مقدس است. این مقاله می‌کوشد تا علل و عواملی که موجب به وجود آمدن چنین روایت‌هایی شده‌اند را شناسایی و تأثیرات آنها را بر درک عمومی و تاریخی از جنگ را بررسی کند. همچنین، این پژوهش با هدف ارتقای دقت و جامعیت تاریخ‌نگاری شفاهی، روش‌ها و راهکارهایی را بررسی خواهد کرد که می‌توانند به تعدیل این مشکل کمک کنند. پژوهش حاضر در بستر نظری و مفهومی گسترده‌ای قرار دارد که شامل مباحثی همچون تاریخ شفاهی، قدرت و گفتمان، تروما و حافظه، پسااستعمارگرایی، روایت و چندصدایی است. آلساندرو پورتلی^۱ در اثر شاخص خود، *مرگ لوئیجی تراستولی و داستان‌های دیگر*، تفاوت میان واقعیت تاریخی و ساختار روایت در تاریخ شفاهی را تحلیل می‌کند. او نشان می‌دهد تحریف‌ها و خطاهای روایی نیز دارای معنای اجتماعی هستند. با آنکه پژوهش پورتلی بنیان نظری مهمی برای فهم تاریخ شفاهی فراهم می‌کند، تمرکز آن بیشتر بر فرم و معنای روایت است تا نقد زاویه دیدهای مسلط. پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از این مبنا، یک گام فراتر می‌رود و *روایت‌های یک‌سویه* در تاریخ شفاهی دفاع مقدس را به صورت ایدئولوژیک نقد می‌کند. پل تامپسون^۲ نیز در کتاب *صدای گذشته*، اهمیت تاریخ شفاهی در بازنمایی تجربه‌های روزمره و سوژه‌های مغفول را بیان کرده است. او از تاریخ شفاهی به عنوان ابزاری برای دموکراتیزه کردن روایت‌های تاریخی یاد می‌کند. با این حال، تمرکز تامپسون بر روش‌شناسی امکانات کلی تاریخ شفاهی است، نه آسیب‌شناسی

¹ Alessandro Portelli

² Paul Thompson

مفهوم، روایت‌هایی را تحلیل می‌کند که در تاریخ شفاهی دفاع مقدس شکل نگرفته یا ثبت نشده‌اند؛ یعنی مقاومت‌های گفتمانی پنهان یا روایت‌ناشده. در نهایت، این پژوهش با فاصله‌گیری از کار میدانی صرف و تمرکز بر آسیب‌شناسی زاویه دید و نقد روایت مسلط، رویکردی نظری و تحلیلی دارد و با استفاده از چارچوب‌های بین‌المللی مطالعات فرهنگی، تروما، پسااستعمار و فمینیسم، نگاهی میان‌رشته‌ای به تاریخ شفاهی جنگ ارائه می‌دهد که در پژوهش‌های پیشین کمتر مورد توجه بوده است.

روش‌شناسی

در این پژوهش، تلاش بر آن است تا آسیب‌های موجود در تاریخ شفاهی دفاع مقدس ایران با استفاده از مفاهیم و متدولوژی‌های نقدی که در مطالعات تاریخ شفاهی و تحلیل‌های اجتماعی پژوهشگران غربی به ویژه در حوزه‌های پسااستعماری، فمینیستی و انتقادی اجتماعی مطرح شده‌اند، بررسی شوند. تحلیل این پژوهش تحلیل کیفی و نقدی است. به طور ویژه، از متدولوژی‌های انتقادی و تحلیل مضمون برای بررسی رویکردهای مختلف در تاریخ شفاهی دفاع مقدس استفاده شده است. از جمله، رویکرد پسااستعماری (Said, 1978)، فمینیستی (Spivak, 1988) و نقد اجتماعی (Bourdieu, 1991) برای شناسایی سوگیری‌های موجود در تاریخ شفاهی و تحلیل آسیب‌های آن به ویژه در زمینه یک‌سویه‌بودن روایت‌ها به کار گرفته شده‌اند. همچنین، تحلیل‌های مبتنی بر نظریه‌های اجتماعی مانند پرسش از قدرت و ساختارهای اجتماعی (Foucault, 1977) به منظور شناسایی سوگیری‌های موجود در روایت‌های تاریخ شفاهی به کار رفته‌اند. این تحلیل‌ها تلاش می‌کنند تا از یک طرف، سوگیری‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را شناسایی کنند و از طرف دیگر، روایت‌های کمتر دیده‌شده و به‌حاشیه‌رفته را برجسته کنند.

ساختاری روایت‌های مسلط. در حالی که مقاله حاضر دقیقاً بر همین نقطه تمرکز دارد: نقد و آسیب‌شناسی روایت‌هایی که از یک زاویه دید محدود پدید آمده‌اند. پیر بوردیو^۱ در زبان و قدرت نمادین، مفهوم «سرمایه نمادین» و نقش زبان در بازتولید ساختارهای قدرت را مطرح می‌کند. این اثر مبنایی مهم برای درک این موضوع فراهم می‌کند که چگونه راویان دارای قدرت بیشتر روایت‌های خود را مشروع‌تر جلوه می‌دهند. پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از این چارچوب، به طور ویژه بر کارکرد قدرت نمادین در تاریخ‌نگاری جنگ تمرکز کرده است که در آثار بوردیو به طور مستقیم بررسی نشده است. میشل فوکو^۲ در نظم و انضباط، سازوکارهای نهادینه قدرت و حذف دانایی‌های مغایر را مطرح می‌کند. در پژوهش حاضر، از مفاهیم فوکویی برای تحلیل فرایند حذف روایت‌های حاشیه‌ای در پروژه‌های رسمی تاریخ شفاهی جنگ بهره گرفته شده است. برخلاف کار فوکو که تمرکزش بر نهادهای کلان و ساختارهای مراقبتی است، این پژوهش بر حوزه‌ای خاص، یعنی تاریخ شفاهی دفاع مقدس، تمرکز دارد. ادوارد سعید^۳ در شرق‌شناسی و گیاتری اسپیواک^۴ در مقاله «آیا فرودستان می‌توانند سخن بگویند؟»، ساختارهای گفتمان مسلط و حذف صدای «دیگری» در روایت‌های تاریخی را بررسی می‌کنند. هرچند این آثار بیشتر بر استعمار و بازنمایی شرق توسط غرب متمرکز هستند، پژوهش حاضر از نظریه‌های آنها برای تحلیل سازوکارهای حذف درونی در روایت‌های رسمی جنگ استفاده می‌کند؛ یعنی حذف صدای فرودستان درون ساختار قدرت داخلی. جیمز اسکات^۵ در سلاح‌های فرودستان، مفهوم مقاومت روزمره را مطرح می‌کند که در آن فرودستان بدون ورود به تقابل آشکار، از طریق روایت‌های غیررسمی، سکوت، یا کنایه، در برابر گفتمان مسلط مقاومت می‌کنند. مقاله حاضر با بهره‌گیری از این

¹ Pierre Bourdieu

² Michel Foucault

³ Edward Said

⁴ Gayatri Spivak

⁵ James Scott

بحث درباره یافته‌ها

مفاهیم

تاریخ شفاهی: تعریف و اهمیت

تاریخ شفاهی به عنوان یکی از مهم‌ترین و معتبرترین روش‌ها برای ثبت و تحلیل تاریخ، به مجموعه‌ای از روایت‌های شخصی و مستقیم از افراد اشاره دارد که تجربیات، خاطرات و مشاهدات خود را از یک رویداد تاریخی بیان می‌کنند. این روش معمولاً از طریق مصاحبه و گفت‌وگو با افراد درگیر در رویدادهای خاص، مانند جنگ‌ها، انقلاب‌ها، یا بحران‌های اجتماعی صورت می‌گیرد (Portelli, 1991). اهمیت تاریخ شفاهی در این است که این روش به عنوان گنجینه‌ای زنده و معتبر از تجربیات فردی به ثبت می‌رسد و می‌تواند روایت‌هایی را بازسازی کند که در اسناد رسمی کمتر به آنها اشاره شده است. به ویژه در رابطه با جنگ‌ها، به دلیل پیچیدگی‌ها و ابعاد انسانی آنها، تاریخ شفاهی می‌تواند روایت‌هایی عمیق‌تر از شرایط و تجربه‌های روزمره افراد، رزمندگان، غیرنظامیان و خانواده‌ها ارائه دهد. تاریخ شفاهی از این نظر که «تاریخ از پایین» را بازسازی می‌کند، به کشف حقیقت‌هایی پنهان و ناشناخته کمک می‌کند که معمولاً در تاریخ رسمی مغفول مانده‌اند (Thompson, 2000).

روایت یک‌سویه: مفهوم و چالش‌ها

روایت یک‌سویه به آن دسته از روایت‌هایی اطلاق می‌شود که در آنها، فقط از زاویه دید یا منظر گروهی خاص به یک واقعه نگاه می‌شود، در حالی که دیگر ابعاد یا دیدگاه‌ها به طور عمدی یا غیرعمدی نادیده گرفته می‌شوند. این نوع روایت‌ها معمولاً به خاطر تمرکز بیش از حد بر یک گروه یا دیدگاه خاص، می‌توانند باعث تحریف تاریخ و ایجاد تصویری یک‌جانبه از واقعیت‌ها شوند (Winter, 1995).

در زمینه تاریخ شفاهی دفاع مقدس، روایت‌های یک‌سویه می‌توانند از دیدگاه‌هایی مختلف پدید آیند:

• دیدگاه‌های سیاسی: برخی از روایت‌ها ممکن است

توسط گروه‌های سیاسی برای تقویت روایت‌های ایدئولوژیک خود شکل گرفته باشند. این نوع روایت‌ها ممکن است به نفع یا ضد یک گروه سیاسی خاص باشند.

• ملاحظات اجتماعی و فرهنگی: برخی از روایت‌ها

ممکن است با توجه به هنجارهای اجتماعی و فرهنگی و برای تقویت افکار عمومی یا تصویر اجتماعی خاصی از جنگ ساخته شوند.

• پذیرش و تأسیس قدرت‌های دولتی: نهادهای

دولتی یا گروه‌های قدرت در هر جامعه ممکن است با انتخاب و تنظیم روایت‌ها، تصویری خاص از جنگ را بازسازی کنند تا دستاوردهای خود را نمایان کنند. این نوع روایت‌ها می‌توانند به جای ارائه یک دیدگاه جامع و متوازن از جنگ، فقط یکی از ابعاد آن را بررسی کنند و بقیه ابعاد را نادیده بگیرند.

زاویه دید در روایت‌ها

زاویه دید در هر روایت تاریخی یکی از عوامل کلیدی است که در نحوه روایت و تفهیم یک رویداد تأثیر می‌گذارد. زاویه دید به طور عمده در سه دسته اصلی قابل تقسیم است:

- زاویه دید اول شخص (First-Person Perspective)

در این نوع روایت، راوی خود را به طور مستقیم درگیر رویداد می‌داند و تجربیات و احساسات شخصی خود را در قالب یک شاهد عینی و نه یک روایت‌گر بیرونی بیان می‌کند. این نوع زاویه دید به ویژه در تاریخ شفاهی که بر خاطرات فردی تمرکز دارد، اهمیت دارد (Cohen, 2001). مثال: یک رزمنده که از خط مقدم جبهه بازمی‌گردد، احساسات، ترس‌ها و خاطرات خود را به طور مستقیم بیان می‌کند.

- زاویه دید سوم شخص (Third-Person Perspective)

در این نوع روایت، راوی خارج از رویداد قرار دارد و از بیرون به آن نگاه می‌کند. این نوع روایت می‌تواند شامل اطلاعات بیشتر و جامع‌تری از وقایع مختلف باشد، زیرا راوی می‌تواند از زوایای مختلف به

و با تأکید بر دیدگاه‌های خاص گروه‌ها و افراد خاص ارائه می‌شوند. این مسأله باعث می‌شود تاریخ به‌جای یک تصویر جامع و چندوجهی، به روایتی محدود و مغرضانه تبدیل شود که بسیاری از ابعاد و جزئیات مهم را نادیده می‌گیرد. از این رو، درک کامل و بی‌طرفانه تاریخ به ویژه در حوزه‌هایی مانند جنگ‌ها، به‌شدت تحت تأثیر این یک‌سویه‌بودن قرار می‌گیرد. یکی از دلایل اصلی بروز چنین چالشی فشارهای سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی است که موجب تحریف یا نادیده گرفتن جنبه‌های مختلف رویدادها می‌شوند.

چالش‌های تاریخی در روایت‌های یک‌سویه

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در تاریخ شفاهی دفاع مقدس یک‌سویه‌بودن روایت‌هاست. این مشکل به دلایل مختلف ایجاد می‌شود:

- عوامل سیاسی و ایدئولوژیک

یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند موجب یک‌سویه‌بودن روایت‌ها در تاریخ شفاهی دفاع مقدس شود، تأثیرات سیاسی و ایدئولوژیک است. در دوران جنگ‌ها و بحران‌ها، گروه‌های مختلف با انگیزه‌های سیاسی و ایدئولوژیک تلاش می‌کنند روایت‌هایی بسازند که به نفع آنها و متناسب با منافع خود باشند. این فرایند ممکن است باعث کاهش تنوع در روایت‌ها و ایجاد یک نوع «حقانیت» یک‌جانبه شود. برای مثال، در دوران جنگ، بسیاری از روایت‌ها توسط دولت یا ایدئولوگ‌های جنگ‌طلب تنظیم و منتشر می‌شدند که به طور عمده به جنبه‌های نظامی و پیروزی‌های میدانی توجه داشتند و کمتر جنبه‌های انسانی و اجتماعی جنگ را در نظر می‌گرفتند. این نوع روایت‌ها بیشتر بر فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و موفقیت‌های نظامی تأکید داشتند و گاهی اوقات، رنج‌ها، آسیب‌ها و تأثیرات منفی جنگ بر غیرنظامیان و خانواده‌ها در این روایت‌ها نادیده گرفته می‌شدند. این امر را می‌توان در تحلیل‌های میشل فوکو به‌وضوح مشاهده کرد که بر اهمیت روابط قدرت در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد. طبق

داستان نگاه کند و اطلاعات بیشتری از جنبه‌های مختلف جنگ ارائه دهد (Hirsch, 1997). مثال: تاریخ‌نگارانی که خاطرات مختلف رزمندگان را جمع‌آوری و از زاویه دید خود، آن را تحلیل می‌کنند.

- زاویه دید جمعی (Collective Perspective):

این زاویه دید به طور کلی مربوط به تجزیه و تحلیل وقایع از منظر گروه‌های مختلف اجتماعی، قومی، یا فرهنگی است (Bourdieu, 1991). در تاریخ شفاهی دفاع مقدس، این زاویه می‌تواند شامل دیدگاه‌های مختلف از رزمندگان، فرماندهان، خانواده‌های شهدا و غیرنظامیان باشد. این زاویه دید می‌تواند به فهمی جامع‌تر از جنگ و تأثیرات آن بر طبقات مختلف اجتماعی کمک کند.

تاریخ شفاهی و قدرت‌های اجتماعی

تاریخ شفاهی نه فقط مجموعه‌ای از خاطرات شخصی است، بلکه عمدتاً تحت تأثیر روابط قدرت اجتماعی و سیاسی قرار می‌گیرد. در تحلیل تاریخ شفاهی دفاع مقدس، یکی از مسائل اصلی توجه به این است که چگونه گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی می‌توانند روایت‌هایی مختلف از جنگ ارائه دهند. افرادی که در موقعیت‌های قدرت قرار دارند (مانند فرماندهان ارشد، مقامات دولتی یا گروه‌های ایدئولوژیک) معمولاً در شکل‌دهی روایت‌های تاریخی تأثیرگذارتر هستند. این افراد ممکن است برای تقویت مشروعیت خود یا ترویج ارزش‌های خاصی، روایت‌هایی را ارائه دهند که جنبه‌هایی خاص از جنگ را برجسته کنند (Scott, 1985). از سوی دیگر، برخی از گروه‌ها مانند رزمندگان ساده، غیرنظامیان و خانواده‌های شهدا ممکن است در ثبت تاریخ شفاهی کمتر نمایندگی داشته باشند (Bourdieu, 1990).

آسیب‌شناسی روایت‌های یک‌سویه

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در تاریخ شفاهی دفاع مقدس یک‌سویه‌بودن روایت‌هاست. در بسیاری از موارد، روایت‌های مختلف از یک واقعه تاریخی به شکلی نابرابر

نظریه‌های فوکو، روایت‌های تاریخی معمولاً توسط افرادی که در موقعیت‌های قدرت قرار دارند، شکل می‌گیرند و این افراد به طور غیرمستقیم، قالب و محتوای تاریخ را مطابق منافع و دیدگاه‌های خود بازسازی می‌کنند. در چنین شرایطی، روایت‌های جایگزین و جنبه‌های مختلف یک واقعه ممکن است نادیده گرفته شوند، زیرا این روایت‌ها نمی‌توانند با منافع قدرت حاکم هماهنگ شوند (Foucault, 1977).^۱

- تحریف تاریخ از سوی افراد با موقعیت‌های اجتماعی خاص

در تحلیل تاریخ شفاهی، به ویژه در زمینه دفاع مقدس، مهم است که به نقش افراد با موقعیت‌های اجتماعی خاص توجه کرد. برخی از روایت‌ها توسط افرادی که در موقعیت‌های قدرت قرار داشته‌اند، غالب‌تر شده‌اند و در نتیجه، این روایت‌ها به طور گسترده‌تر منتشر و پذیرفته شده‌اند. به طور خاص، فرماندهان ارشد، مقامات دولتی و مسئولان جنگ، احتمالاً روایت‌هایی را ارائه می‌دهند که بیشتر در راستای بررسی نقش و دستاوردهای کل یگان‌های نظامی و موفقیت‌های استراتژیک باشند. این نوع روایت‌ها معمولاً نگاهی سطحی و عمدتاً غیرشخصی به جنگ دارند که بیشتر بر توانمندی‌ها و پیروزی‌های نظامی تمرکز می‌کند تا بر مشکلات، تلفات انسانی و پیامدهای اجتماعی جنگ. این وضعیت باعث می‌شود روایت‌های ساده‌دلانه‌تر که نگاه از پایین به ماجرا دارند، از بین بروند. برای مثال، روایت‌های رزمندگان ساده و بسیجی‌هایی که

در شرایط دشوار جنگ در خط مقدم می‌جنگیدند، معمولاً تحت تأثیر روایت‌های بالاتر از مقامات دولتی و نظامی نادیده گرفته می‌شوند. این افراد به دلیل جایگاه اجتماعی پایین‌تر خود، کمتر فرصت دارند تا روایت‌هایشان را منتشر کنند و روایت‌های آنها معمولاً در تاریخ رسمی جایی ندارند. همچنین، این نوع تحریف تاریخ به نوعی از فرایندهای اجتماعی مربوط می‌شود که در آنها، روایت‌های نهاده شده و معتبر فقط از زبان افراد با موقعیت‌های اجتماعی خاص به دست می‌آیند و روایت‌های فرودست‌تر و حاشیه‌ای از جریان اصلی تاریخ حذف می‌شوند. نظریه‌پردازانی همچون جیمز اسکات در آثار خود به این نکته اشاره کرده‌اند که تاریخ همیشه از دیدگاه کسانی که در قدرت هستند، نوشته می‌شود و این افراد عموماً از منافع خود دفاع می‌کنند و به این ترتیب، تاریخ را به گونه‌ای روایت می‌کنند که خودشان در آن نقش مرکزی و قهرمانانه دارند. این نوع رویکرد نه فقط تاریخ را تحریف می‌کند، بلکه زمینه‌ساز شکاف‌های اجتماعی و نادیده گرفتن افراد و گروه‌هایی می‌شود که در تحولات تاریخی نقش‌های مهم اما مغفول داشته‌اند (Scott, 1985).

آثار و پیامدهای روایت‌های یک‌سویه

روایت‌های یک‌سویه، به ویژه در زمینه تاریخ شفاهی جنگ‌ها، می‌توانند آثار و پیامدهایی عمیق بر درک عمومی از رویدادها و حتی بر روند شکل‌گیری تاریخ داشته باشند. این نوع روایت‌ها که فقط به یک جنبه از جنگ توجه دارند و دیگر ابعاد و جنبه‌های آن را نادیده می‌گیرند، می‌توانند باعث تحریف تاریخ و ایجاد تصورات غلط درباره تأثیرات جنگ بر جامعه و نسل‌های مختلف شوند. در این قسمت، دو اثر عمده این نوع روایت‌ها بررسی شده‌اند: تحریف درک عمومی از جنگ و کاهش تنوع درک تاریخ.

- تحریف درک عمومی از جنگ

یکی از بزرگ‌ترین خطرات روایت‌های یک‌سویه این

^۱ اگرچه فوکو در "The History of Sexuality"، مستقیماً به جنگ‌ها و بحران‌ها توجه ندارد، مفاهیمی که او مطرح می‌کند درباره چگونگی شکل‌گیری و کنترل روایت‌ها، به ویژه در مواقعی که قدرت‌های خاص در تلاش برای ساخت واقعیت‌های اجتماعی به نفع خود هستند، کاملاً مرتبط به نظر می‌رسند. در حقیقت، مفهوم «قدرت» و «گفتمان» که فوکو درباره‌اش بحث می‌کند، می‌تواند به درک نحوه تغییر و دستکاری روایت‌های جنگی و ایدئولوژیک کمک کند. فوکو استدلال می‌کند قدرت همیشه از طریق تولید و توزیع گفتمان‌ها و دانش‌ها اعمال می‌شود و این گفتمان‌ها می‌توانند در مواقع بحرانی یا جنگی برای خدمت به منافع خاص شکل بگیرند.

است که می‌توانند درک عمومی از جنگ و تأثیرات آن بر جامعه را به طور جدی تحریف کنند. زمانی که فقط یک زاویه دید خاص از جنگ در روایت‌ها برجسته می‌شود (برای مثال، پیروزی‌ها، فداکاری‌ها، یا دستاوردهای نظامی)، جامعه ممکن است فقط یکی از جنبه‌های جنگ را مشاهده کند و از دیگر ابعاد آن که به طور خاص تأثیرات منفی جنگ هستند، غافل بماند. به این ترتیب، پیامدهای منفی جنگ مانند تلفات غیرنظامیان، آسیب‌های روانی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی و بحران‌های اقتصادی به‌درستی مورد توجه قرار نمی‌گیرند (Winter, 1995; Caruth, 1996). برای مثال، در تاریخ شفاهی دفاع مقدس، روایت‌های غالب معمولاً بر ویژگی‌های نظامی و سیاسی جنگ تأکید دارند؛ به ویژه در زمینه فداکاری‌ها و پیروزی‌های نیروهای مسلح. این نوع روایت‌ها به طور طبیعی کمتر به موضوعاتی مانند مشکلات روانی سربازان بازگشته از جنگ، خانواده‌های بی‌سرپرست و آوارگان، یا تخریب زیرساخت‌ها و اقتصاد کشور توجه دارند. همین امر موجب می‌شود تصویری نادرست از جنگ در ذهن جامعه شکل بگیرد که در آن، فقط پیروزی‌ها و افتخارات دیده می‌شوند و رنج‌ها و مشکلات جانبی آن نادیده انگاشته می‌شوند. چنین تحریفی می‌تواند بر نسل‌های بعدی تأثیرات منفی بگذارد و آنها را از واقعیت‌های تلخ و پیچیده جنگ دور نگه دارد. همچنین، از آنجا که این روایت‌ها عمدتاً توسط نهادها و مقامات رسمی کنترل می‌شوند، نسل‌های جدید ممکن است هیچ‌وقت با ابعاد انسانی و اجتماعی جنگ آشنا نشوند و تصور کنند جنگ فقط یک نبرد برای پیروزی یا شکست است. این تحریف به ویژه در تحلیل‌های پدیدارشناسانه مورد توجه قرار گرفته است؛ به طوری که می‌توان گفت درک یک‌جانبه از جنگ منجر به بحران هویت تاریخی و اخلاقی در جامعه می‌شود.

- کاهش تنوع درک تاریخ

روایت‌های یک‌سویه همچنین باعث می‌شوند تاریخ

فقط از یک زاویه دید خاص فهمیده شود و تنوع دیدگاه‌ها و تجربیات دیگر قربانی شود. این وضعیت به ویژه در جنگ‌ها و بحران‌ها که گروه‌ها و اقشار مختلف مردم نقش دارند، مشکل‌ساز است. در نتیجه، تاریخ از دیدگاه افراد خاص و با موقعیت‌های اجتماعی خاص روایت می‌شود و تجربیات کسانی که در موقعیت‌های حاشیه‌ای یا پایین‌دستی قرار دارند، نادیده گرفته می‌شوند (Hirsch, 1997; Eley, 2005). در جنگ تحمیلی ایران، این موضوع اهمیتی ویژه پیدا می‌کند، زیرا جنگ با حضور اقشار مختلف مردم، از رزمندگان ساده در خط مقدم تا فرماندهان ارشد و همچنین، غیرنظامیان مختلف مواجه بود. این تنوع گسترده در تجربیات و نقش‌ها باید در روایت‌ها لحاظ می‌شد، اما روایت‌های رسمی معمولاً بر فعالیت‌ها و دستاوردهای مقامات نظامی و دولتی متمرکز بودند و تجربیات مردم عادی یا گروه‌های حاشیه‌ای را نادیده می‌گرفتند. این مشکل به ویژه زمانی برجسته می‌شود که شاهد حذف یا کم‌رنگ‌شدن روایت‌های مردمی و غیرنظامی در تاریخ‌نگاری جنگ هستیم. این روایت‌ها معمولاً شامل تجربیات روزمره، مشکلات و دردهای مردم عادی هستند که در بسیاری از مواقع در مقابل سیاست‌ها و تصمیمات نظامی قرار می‌گرفتند. حذف این روایت‌ها می‌تواند منجر به از دست رفتن بخش‌هایی مهم از تاریخ جنگ شود که ممکن است بر شکل‌گیری هویت ملی و جمعی تأثیرگذار باشند. در حقیقت، عدم توجه به روایت‌های مختلف می‌تواند موجب ایجاد تصوراتی ناقص یا نادرست از تاریخ شود که نمی‌توانند به طور جامع و همه‌جانبه جنبه‌های مختلف جنگ را بازتاب دهند. برخی از پژوهشگران، مانند پتر هیرش^۱، بر اهمیت یادآوری این نکته تأکید کرده‌اند که تاریخ باید از زاویه دیدهای مختلف و به ویژه از دیدگاه‌های نادیده‌گرفته‌شده بررسی شود. فقط در این صورت است که می‌توان تاریخ را به طور واقعی و معتبر روایت کرد و از تمامی ابعاد آن آگاه شد. روایت‌هایی که شامل دیدگاه‌ها و تجربیات مختلف از جمله رزمندگان

¹ Peter Hirsch

ساده، غیرنظامیان و خانواده‌های جنگ‌زده باشند، می‌توانند تصویری کامل از جنگ و پیامدهای آن ارائه دهند (Hirsch, 1997).

راهکارهایی برای اصلاح روایت‌های یک‌سویه

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در تاریخ‌نگاری دفاع مقدس محدودیت‌های ناشی از روایت‌های یک‌سویه است که بسیاری از ابعاد مختلف جنگ را نادیده می‌گیرند. برای اصلاح این روایت‌ها و به دست آوردن تصویری جامع‌تر و واقع‌بینانه‌تر از جنگ، باید اقداماتی صورت گیرند که به تنوع و گوناگونی دیدگاه‌ها و منابع توجه ویژه داشته باشد. در این راستا، راهکارهایی مختلف پیشنهاد می‌شوند که می‌توانند به بهبود جمع‌آوری تاریخ شفاهی دفاع مقدس کمک کنند و از یک‌جانبه‌نگری جلوگیری کنند.

تنوع در منابع و روایان

برای به دست آوردن تصویری جامع‌تر از جنگ، لازم است تا منابع متنوع و دیدگاه‌های مختلف گردآوری شوند و از روایان مختلف از اقشار و گروه‌های اجتماعی متفاوت استفاده شود. جنگ، به ویژه جنگ‌هایی مانند جنگ تحمیلی ایران و عراق، به دلیل حضور گسترده اقشار مختلف مردم در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها، نیازمند روایت‌های متنوع است. برای اینکه تاریخ جنگ فقط از زاویه دید خاصی روایت نشود، باید به مجموعه‌ای از منابع توجه کرد که دیدگاه‌های متفاوت را شامل می‌شوند. این منابع می‌توانند شامل روایت‌های مختلف از رزمندگان ساده، فرماندهان ارشد، غیرنظامیان، خانواده‌های شهدا و جانبازان و حتی افرادی که در مناطق جنگی به طور غیرمستقیم تحت تأثیر جنگ قرار گرفته‌اند، باشند. به این ترتیب، از آنجا که هر یک از این گروه‌ها تجربه‌هایی متفاوت از جنگ دارند، جمع‌آوری روایت‌های آنها می‌تواند کمک شایانی به بهبود فهم و تحلیل جنگ کند. به طور خاص، در جمع‌آوری تاریخ شفاهی دفاع مقدس، باید از روایان با تجربه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی،

قومیتی و حتی جنسیتی استفاده کرد. نظریه‌پردازانی همچون روبین کوهن^۱ و رناتو روزالدو^۲ بر این نکته تأکید کرده‌اند که تاریخ و روایت‌های تاریخی در صورتی معتبر و جامع خواهند بود که از دیدگاه‌های گوناگون و متنوع جمع‌آوری شوند. این رویکرد به شدت مخالف رویکردهای سنتی است که معمولاً فقط به روایت‌هایی از مقامات دولتی یا فرماندهان نظامی توجه دارند. بنابراین، برای اصلاح روایت‌های یک‌سویه، لازم است تا منابع و روایانی متنوع از همه اقشار جامعه، شامل نظامی و غیرنظامی، مورد توجه قرار گیرند (Cohen, 2001; Rosaldo, 1989).

اهمیت تنوع در منابع به دلایل زیر است:

- **نمایش ابعاد مختلف جنگ:** جنگ فقط یک نبرد نظامی نیست، بلکه تأثیرات روانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارد که فقط از زاویه دید گروه‌های مختلف قابل درک هستند. رزمندگان ساده‌دل و کسانی که در خط مقدم بوده‌اند، با چالش‌هایی روبه‌رو بوده‌اند که ممکن است در روایت‌های رسمی نادیده گرفته شوند. برای مثال، تجربه‌های شخصی و انسانی از مشکلات روانی پس از جنگ یا زندگی در مناطق آسیب‌دیده از جنگ، جنبه‌هایی از جنگ هستند که باید به طور کامل بررسی شوند.

- **شکستن روایت‌های سلطه‌جو و رسمی:** بسیاری از روایت‌های یک‌سویه بر پایه دیدگاه‌های سیاسی و ایدئولوژیک خاصی بنا می‌شوند که گاهی اوقات به طور عمدی یا ناخودآگاه جنبه‌های انسانی و اجتماعی جنگ را از نظر می‌اندازند. با جمع‌آوری روایت‌های مختلف می‌توان با این روایت‌های رسمی مقابله کرد و روایت‌هایی که ممکن است در تاریخ‌نگاری رسمی به حاشیه رانده شوند را به میدان آورد.

- **ایجاد تفاهم و همدلی اجتماعی:** زمانی که روایت‌های مختلف از جنگ، شامل روایت‌های مربوط به غیرنظامیان، خانواده‌ها و کسانی که از نزدیک با جنگ درگیر بوده‌اند، به طور رسمی و جدی مورد توجه قرار

¹ Robin Cohen

² Renato Rosaldo

به خانواده‌ها، غیرنظامیان و کسانی که به طور غیرمستقیم تحت تأثیر جنگ قرار گرفتند، باید به طور جدی و دقیق ثبت شوند تا بتوان تصویری جامع‌تر و واقع‌گرایانه‌تر از جنگ ارائه داد. از این رو، در کنار روایت‌های غالبی که معمولاً از دیدگاه رزمندگان، فرماندهان نظامی یا مقامات دولتی ارائه می‌شوند، باید توجهی ویژه به روایت‌های افرادی داشت که در سطح فردی یا اجتماعی از پیامدهای جنگ رنج برده‌اند. این دسته از افراد ممکن است شامل خانواده‌های شهدا، جانبازان، آوارگان و غیرنظامیان باشند که به طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر جنگ قرار گرفتند.

کاهش تأثیرات سیاسی و ایدئولوژیک

یکی از چالش‌های اساسی در جمع‌آوری تاریخ شفاهی، به ویژه در رابطه با جنگ‌ها و دوره‌های بحرانی، تأثیرات سیاسی و ایدئولوژیک هستند که می‌توانند باعث تحریف حقیقت و منحرف‌شدن روایت‌ها از واقعیت‌های عینی شوند. در جنگ‌ها، گروه‌های مختلف با دیدگاه‌های سیاسی و ایدئولوژیک متفاوت سعی در شکل‌دهی و هدایت روایت‌ها به نفع خود داشته‌اند. این تأثیرات می‌توانند به خلق روایت‌های غیرواقعی، جانبدارانه و یک‌سویه منجر شوند که از جنبه‌های انسانی، اجتماعی و روانی جنگ غفلت می‌کنند. به همین دلیل، ضروری است تا در جمع‌آوری تاریخ شفاهی از هر گونه تأثیرات سیاسی و ایدئولوژیک دوری شود و تاریخ جنگ باید به طور بی‌طرفانه و بر اساس حقیقت‌های عینی ثبت شود. در این راستا، باید تلاش کرد تا همه روایت‌های سیاسی یا ایدئولوژیک که به ویژه در دوران‌های بحرانی و جنگ‌ها شکل می‌گیرند، تحت تأثیر افرادی که از قدرت یا موقعیت خاصی برخوردار هستند، تعدیل و اصلاح شوند. این مسأله به ویژه در دوره‌های جنگی و سیاسی که افراد به دلایل مختلف (مانند تقویت روحیه عمومی، حفظ وحدت ملی، یا مشروعیت‌بخشی به تصمیم‌های خاص) در تلاش برای بازنمایی حقیقت به صورت خاص و اغراق‌شده هستند، اهمیت دارد (Hobsbawm, 1983).

گیرند، می‌توان به ترویج درک و همدلی میان نسل‌های مختلف و اقشار گوناگون جامعه دست یافت. این اقدام می‌تواند در فرایند صلح و سازگاری اجتماعی پس از جنگ نیز تأثیرگذار باشد.

- استفاده از فناوری‌های جدید: در کنار تنوع در

منابع و راویان، یکی دیگر از راهکارهای مؤثر برای اصلاح روایت‌های یک‌سویه استفاده از فناوری‌های جدید برای ثبت و نشر تاریخ شفاهی است. فناوری‌های دیجیتال، از جمله پایگاه‌های داده، پادکست‌ها و مستندهای ویدیویی، این امکان را می‌دهند تا روایت‌هایی متنوع به طور گسترده جمع‌آوری و منتشر شوند.

این روش‌ها می‌توانند به سهولت دسترسی به تاریخ شفاهی کمک کنند و از محدودیت‌های فیزیکی مانند فاصله‌های جغرافیایی یا مشکلات ارتباطی جلوگیری کنند. در ضمن، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های آنلاین برای اشتراک‌گذاری روایت‌ها می‌تواند تأثیری چشمگیر در جلب توجه عمومی و به ویژه نسل‌های جوان‌تر به این روایت‌ها داشته باشد. از این رو، باید به سمت ایجاد بسترهایی برای ارائه و ذخیره تاریخ شفاهی حرکت کرد که به همه گروه‌ها و اقشار جامعه اجازه دهند صدای خود را بیان کنند.

توجه به جنبه‌های انسانی جنگ

یکی از نکات اساسی و حیاتی در اصلاح روایت‌های یک‌سویه تاریخ شفاهی دفاع مقدس بررسی جنبه‌های انسانی و روانی جنگ است. جنگ‌ها، به ویژه جنگ‌هایی که به صورت طولانی‌مدت و در مقیاس وسیع به وقوع می‌پیوندند، تأثیراتی عمیق و گسترده بر افراد، خانواده‌ها و حتی جوامع به‌جا می‌گذارند که معمولاً در روایت‌های رسمی نادیده گرفته می‌شوند (Winter, 1995; Caruth, 1996). به ویژه در جنگ تحمیلی ایران و عراق، جنبه‌های انسانی جنگ نه فقط در روایت‌های رسمی مغفول مانده‌اند، بلکه پیامدهای روانی و اجتماعی آن برای نسل‌های بعدی نیز به طور کامل مستندسازی نشده‌اند. روایت‌های مربوط

بودند و هر کدام تجربیات و دیدگاه‌های خاص خود را از این رویداد تاریخی داشتند. هر یک از این گروه‌ها تجربه‌های منحصر به فرد خود را دارند که این امر می‌تواند تصویری جامع‌تر و عمیق‌تر از جنگ و تأثیرات آن بر جامعه فراهم کند. در تاریخ شفاهی دفاع مقدس ایران، یکی از کمبودها، به ویژه در روایت‌های رسمی و غالب، نادیده گرفته شدن روایت‌های گروه‌هایی است که در نگاه عمومی ممکن است کمتر به آنها توجه شده باشد. از جمله این گروه‌ها می‌توان به زنان، اقلیت‌های قومی، خانواده‌های شهدا و حتی اسیران جنگی اشاره کرد. این گروه‌ها نه فقط در جنگ حضور داشتند، بلکه تأثیرات جنگ بر زندگی و هویت اجتماعی آنها بسیار عمیق بوده‌اند. به ویژه در رابطه با زنان، باید توجهی ویژه به نقش‌ها و تجربیات آنها در جنگ شود، زیرا در بسیاری از روایت‌ها، با وجود حضور فعال آنها در عرصه‌های مختلف (مانند امداد رسانی، پشتیبانی و حضور در جبهه‌ها)، تجربیات آنان نادیده گرفته شده‌اند و این یکی از خلأهای عمده تاریخ شفاهی جنگ ایران است.

روش‌هایی که برای ثبت و گسترش تنوع اجتماعی و فرهنگی می‌توان پیشنهاد داد عبارت‌اند از:

- گسترش دامنه مصاحبه‌ها به گروه‌های مختلف:

هنگام جمع‌آوری تاریخ شفاهی، باید به طور خاص از گروه‌های مختلف اجتماعی، قومی، و فرهنگی برای مصاحبه و ارائه روایت‌ها دعوت کرد. این مصاحبه‌ها باید از گروه‌هایی مانند زنان، خانواده‌های شهدا، اقلیت‌های قومی و مذهبی، غیرنظامیان و حتی اسیران جنگی صورت گیرند. این روش کمک می‌کند تا نمایی کامل و متنوع از جنگ به دست آید.

- توجه ویژه به نقش زنان: زنان در جنگ تحمیلی

نقش‌هایی متعدد ایفا کردند که باید به طور جدی در تاریخ شفاهی ثبت شوند. این روایت‌ها می‌توانند شامل داستان‌های مادران شهدا، زنان امدادگر، همسران رزمندگان و زنان در پشت جبهه‌ها باشند. پژوهشگران باید به ویژه در جمع‌آوری این روایت‌ها دقت و حساسیتی ویژه داشته

روش‌هایی که برای کاهش تأثیرات سیاسی و ایدئولوژیک می‌توان پیشنهاد داد عبارت‌اند از:

- استفاده از منابع متنوع و بی‌طرف: برای کاهش

تأثیرات سیاسی و ایدئولوژیک، ضروری است تا از منابع مختلف با رویکردهای مختلف استفاده شود. این منابع می‌توانند شامل مصاحبه با افرادی از طیف‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، اسناد تاریخی غیررسمی و منابع مستقل باشند. به این ترتیب، می‌توان روایت‌هایی از جنگ جمع‌آوری کرد که کمتر تحت تأثیر ایدئولوژی‌های خاص قرار گرفته باشند.

- تحلیل‌های انتقادی و بی‌طرفانه: پژوهشگران و

تاریخ‌نگاران باید به دقت تحلیل‌های انتقادی و بی‌طرفانه از تاریخ شفاهی ارائه دهند. این تحلیل‌ها باید از رویکردهای مختلف اجتماعی، روان‌شناختی و فرهنگی بهره ببرند تا تأثیرات ایدئولوژیک را کاهش دهند. آنها باید روایت‌ها را بدون قضاوت‌های سیاسی یا ایدئولوژیک، بر اساس واقعیت‌های موجود، تحلیل کنند.

- ایجاد فضایی آزاد و بی‌طرف برای مصاحبه‌ها:

مصاحبه‌کنندگان باید در جمع‌آوری تاریخ شفاهی به طور کامل بی‌طرفانه عمل کنند. آنها باید از هر گونه تعصب و فشار سیاسی برای شکل‌دهی به روایت‌ها اجتناب کنند و تلاش کنند تا راویان احساس آزادی کامل در بیان تجربیات خود داشته باشند.

تنوع اجتماعی و فرهنگی

به طور معمول، در جنگ‌ها، گروه‌های مختلف اجتماعی، قومی و فرهنگی درگیر جنگ بوده‌اند. جنگاوران از طبقات اجتماعی متفاوت، زنان، غیرنظامیان، خانواده‌های کشته‌شدگان و حتی اسیران جنگی می‌توانند دیدگاه‌هایی منحصر به فرد درباره جنگ و تأثیرات آن بیان کنند. تاریخ شفاهی جنگ باید از این تنوع استفاده کند و صدای گروه‌های مختلف را بشنود و به ثبت برساند (Rothberg, 2009). در جنگ تحمیلی ایران نیز، گروه‌های مختلف اجتماعی، قومی و فرهنگی به طور مستقیم درگیر جنگ

مشاهده می‌شود، به شناسایی سوگیری‌های فرهنگی و تاریخی که ناشی از تأثیرات سلطه‌گرا هستند، کمک می‌کند (Said, 1978). این تحلیل‌ها به ویژه در تحلیل تاریخ شفاهی جنگ ایران و عراق اهمیت دارند، زیرا در برخی از روایت‌ها ممکن است تجربه‌های اقلیت‌ها، گروه‌های قومی و حتی افراد غیرمسلمان نادیده گرفته شوند. تحلیل‌های فمینیستی، همان‌طور که در کار گیاتری اسپیواک مشاهده می‌شوند، به ما یادآوری می‌کنند بسیاری از روایت‌های تاریخی، به ویژه آنهایی که به گروه‌های فرودست یا «زیر سلطه» مربوط می‌شوند، در فرایند تاریخ‌نگاری عمدتاً نادیده گرفته می‌شوند (Spivak, 1988). این تحلیل‌ها می‌توانند به ایجاد تاریخ شفاهی جامع‌تر و بی‌طرفانه‌تری منجر شوند که نه فقط به صداهای غالب، بلکه به صداهای نادیده نیز توجه دارد. علاوه بر این، رویکردهای فمینیستی می‌توانند کمک کنند تا تجربیات زنان، به ویژه در دوران جنگ، که معمولاً در روایت‌های رسمی و غالب گم می‌شوند، در نظر گرفته شوند. بنابراین، استفاده از این متدولوژی‌ها به تولید یک تاریخ شفاهی می‌انجامد که در آن، تجربیات انسانی و اجتماعی تمامی گروه‌ها و اقشار جامعه به طور برابر و بی‌طرفانه منعکس می‌شوند.

ایجاد شبکه‌های همکاری بین‌المللی

یکی از روش‌های مؤثر برای تکمیل تاریخ شفاهی دفاع مقدس و گسترش آن به دیگر جوامع و کشورهای درگیر جنگ‌ها و بحران‌ها ایجاد شبکه‌های همکاری بین‌المللی است. این شبکه‌ها می‌توانند شامل پژوهشگران، مورخان، پژوهشگران تاریخ شفاهی و فعالان اجتماعی از سراسر جهان باشند که تجربیات و داده‌های خود را به اشتراک می‌گذارند و از یکدیگر می‌آموزند. این نوع همکاری می‌تواند به تکمیل و گسترش دامنه تاریخ شفاهی کمک کند و آن را از یک داستان ملی به یک روایت بین‌المللی و فراملی تبدیل کند. تاریخ‌نگاری جنگ‌ها و بحران‌های جهانی معمولاً محدود به مرزهای ملی و ایدئولوژیک است

باشند و فعالانه از زنان برای بیان تجربیاتشان دعوت کنند.

- استفاده از رسانه‌های مختلف برای ثبت روایت‌ها:

یکی از روش‌های مؤثر برای جمع‌آوری تاریخ شفاهی و ثبت تنوع اجتماعی و فرهنگی استفاده از رسانه‌های مختلف است. می‌توان از فیلم‌ها، مستندها، پادکست‌ها و کتاب‌های خاطرات برای ثبت این تجربیات استفاده کرد. این رسانه‌ها می‌توانند جنبه‌های احساسی و انسانی جنگ را به طور مؤثر منعکس کنند و امکان دسترسی گسترده‌تر به روایت‌های مختلف را فراهم آورند.

- مشارکت گروه‌های اجتماعی در پژوهش و

نگارش: برای آنکه روایت‌های گروه‌های مختلف اجتماعی به طور دقیق و بی‌طرفانه ثبت شوند، مشارکت خود این گروه‌ها در فرایند پژوهش و نگارش تاریخ شفاهی ضروری است. این مشارکت نه فقط به غنای روایت‌ها کمک می‌کند، بلکه باعث می‌شود تا افراد احساس کنند صدای آنها شنیده شده است و تاریخ جنگ به طور واقعی و جامع ثبت می‌شود.

تأکید بر متدولوژی‌های نقدی در تاریخ شفاهی

یکی از مهم‌ترین راهکارها برای کاهش آسیب‌های روایت‌های یک‌سویه استفاده از متدولوژی‌های نقدی در تحلیل تاریخ شفاهی است. این متدولوژی‌ها، از جمله تحلیل‌های انتقادی اجتماعی، پسااستعماری و فمینیستی، می‌توانند ابزاری قوی برای نقد و بررسی سوگیری‌های ایدئولوژیک و اجتماعی در روایت‌ها باشند. تحلیل‌های اجتماعی انتقادی، به ویژه از منظر مارکسیستی یا نظریه‌های نقد قدرت، به دقت نشان می‌دهند چگونه گروه‌های غالب در تاریخ‌نگاری تلاش می‌کنند روایت‌هایی را ارائه دهند که در خدمت منافع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنها باشند. در جنگ تحمیلی ایران، این سوگیری‌ها می‌توانند شامل برجسته‌سازی موفقیت‌های نظامی و فداکاری‌های جنگی به طور اغراق‌شده و نادیده گرفتن رنج‌های غیرنظامیان و آسیب‌های اجتماعی جنگ باشند. رویکردهای پسااستعماری، مانند آنچه در تحلیل‌های ادوارد سعید

و ایجاد شبکه‌های بین‌المللی می‌تواند این محدودیت‌ها را از بین ببرد. اریک هابزباوم^۱ در کتاب خود به تحولات تاریخ‌نگاری و شبکه‌های همکاری در سطح بین‌المللی اشاره کرده و به ویژه تعامل و تبادل اطلاعات در زمینه‌های مختلف تاریخ‌نگاری را بررسی کرده است (Hobsbawm, 1983). این نوع همکاری‌ها می‌توانند به پژوهشگران و مورخان این امکان را بدهند تا از تجربیات یکدیگر بهره‌برداری کنند و شیوه‌هایی جدیدتر و جامع‌تر برای جمع‌آوری تاریخ شفاهی پیدا کنند. همکاری‌های بین‌المللی می‌توانند به تحلیل‌ها و تفسیرهایی گسترده‌تر منجر شوند که نه فقط به درک بهتر جنگ‌ها و بحران‌های مختلف کمک می‌کنند، بلکه باعث می‌شوند روایت‌های نادیده‌گرفته‌شده یا تحریف‌شده در سطح جهانی شنیده شوند. علاوه بر این، تزوتان تودوروف^۲ نیز به طور خاص در کتاب خود به اهمیت شنیدن و درک صدای دیگران در فرایند تاریخ‌نگاری اشاره کرده است. او به ویژه در تحلیل‌های خود به این نکته توجه کرده است که چگونه روایت‌های یک‌سویه و سلطه‌گر می‌توانند مانع از ثبت تاریخ‌های کامل و جامع شوند (Todorov, 1995). این امر نشان می‌دهد همکاری‌های بین‌المللی نه فقط می‌تواند به گردآوری تاریخ شفاهی کمک کند، بلکه می‌تواند از تحریف‌های ناشی از سلطه‌گرایی و سوگیری‌های ملی نیز جلوگیری کند. این شبکه‌ها می‌توانند به مورخان و پژوهشگران کمک کنند تا به تاریخ‌هایی دست یابند که نمایانگر تنوع دیدگاه‌ها، فرهنگ‌ها و تجربیات مختلف باشند و در نهایت، تاریخ شفاهی دقیق‌تر و کامل‌تری از جنگ و بحران‌ها به دست آورند.

آموزش و آگاهی‌بخشی به پژوهشگران تاریخ شفاهی

یکی از مهم‌ترین اقدامات برای بهبود تاریخ شفاهی و کاهش روایت‌های یک‌سویه آموزش و آگاهی‌بخشی به پژوهشگران تاریخ شفاهی است. پژوهشگران در این حوزه

باید مهارت‌ها و دانش‌های لازم برای جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر روایت‌ها را به طور دقیق و جامع فرا بگیرند. این آموزش‌ها باید شامل مباحث مختلف باشند، از جمله مهارت‌های مصاحبه‌ای، فنون گوش‌دادن فعال و شناخت ابزارهای نوین فناوریانه برای ضبط و تجزیه و تحلیل اطلاعات. مهارت‌های مصاحبه به ویژه مهم هستند، زیرا ممکن است بعضی از راویان تجربیات خود را به طور غیرمستقیم بیان کنند یا در مواجهه با پرسش‌های خاص، دچار خودسانسوری شوند. بنابراین، پژوهشگران باید قادر به طرح پرسش‌های هوشمندانه و حساس باشند تا بتوانند به بازکردن لایه‌های عمیق‌تر خاطرات و تجربیات کمک کنند. در این زمینه، آلساندرو پروتلی در کتاب خود، روش‌های جمع‌آوری تاریخ شفاهی و نحوه تحلیل روایت‌ها را بررسی کرده است و تأکید می‌کند هر روایت تاریخ شفاهی باید با دقت و بر اساس رویکردهای روش‌شناسی مناسب تجزیه و تحلیل شود. او همچنین اشاره می‌کند پژوهشگران باید از هر گونه سوگیری شخصی خود اجتناب کنند و روایت‌ها را به شکلی منظم و معنادار تفسیر کنند (Portelli, 1991). از سوی دیگر، پل تامپسون در کتاب برجسته خود با عنوان *صدای گذشته*، اصول و روش‌های جمع‌آوری دقیق تاریخ شفاهی را بررسی کرده است و روش‌هایی متعدد را برای بازسازی رویدادهای تاریخی از طریق شهادت‌های فردی ارائه می‌دهد. او تأکید می‌کند استفاده از رویکردهای معتبر و دقیق در تاریخ شفاهی نه فقط به ثبت خاطرات کمک می‌کند، بلکه می‌تواند روایت‌های ناقص یا تحریف‌شده را اصلاح کند و تصویری واقعی‌تر از تاریخ به دست دهد (Thompson, 2000). این منابع و آموزش‌ها به پژوهشگران تاریخ شفاهی کمک می‌کند تا قادر باشند از تکنیک‌های پیشرفته برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل دقیق و معتبر روایت‌ها استفاده کنند و در نهایت تاریخ شفاهی جامع‌تری از جنگ‌ها و بحران‌ها را گردآوری کنند. این امر باعث می‌شود که تاریخ شفاهی از یک روایت تک‌بعدی به یک روایت چندبعدی و متنوع تبدیل شود که می‌تواند به

¹ Eric Hobsbawm

² Tzvetan Todorov

بازسازی حقیقت‌های تاریخی کمک کند.

نتیجه‌گیری

تاریخ شفاهی دفاع مقدس، به عنوان یکی از منابع معتبر و بی‌بدیل برای درک عمیق‌تر جنگ تحمیلی و پیامدهای آن بر جامعه ایران، نقشی حیاتی در شکل‌دهی به تصویری دقیق و انسانی از این دوران ایفا می‌کند. این منابع که عمدتاً از روایت‌های رزمندگان، خانواده‌های شهدا، غیرنظامیان و دیگر افراد درگیر در جنگ به دست می‌آیند، قادر به ارائه چشم‌اندازی شخصی و انسانی از جنگ هستند که در کنار منابع تاریخی رسمی و اسناد دولتی، به تکمیل و غنای تاریخ‌نگاری این دوره کمک شایانی می‌کند. با وجود این، همان‌طور که در این پژوهش اشاره شد، تاریخ شفاهی دفاع مقدس با مشکلات و چالش‌هایی متعدد روبه‌رو است که یکی از مهم‌ترین آنها یک‌سویه‌بودن روایت‌هاست. این مسأله باعث شده است بسیاری از تجربیات گروه‌های مختلف اجتماعی و انسانی، به ویژه اقشار آسیب‌پذیر و نادیده‌گرفته‌شده در تاریخ‌نگاری رسمی، در سایه قرار گیرند و تصویری ناقص و تحریف‌شده از جنگ در ذهن جامعه شکل بگیرد.

راهکارهای پیشنهادی در این پژوهش، از جمله تأکید بر تنوع زاویه دیدها، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در جمع‌آوری تاریخ شفاهی و استفاده از تحلیل‌های انتقادی برای شناسایی سوگیری‌ها و تحریف‌های احتمالی، می‌تواند به بهبود جمع‌آوری، تحلیل و انتقال دقیق‌تر تاریخ شفاهی دفاع مقدس کمک کنند. همچنین، آموزش و آگاهی‌بخشی به پژوهشگران تاریخ شفاهی و آشنایی آنان با مهارت‌های علمی و عملی در جمع‌آوری، تحلیل و انتشار روایت‌ها از دیگر اقدامات ضروری برای ارتقای کیفیت و جامعیت تاریخ شفاهی است. این فرایند می‌تواند کمک کند تا روایت‌ها از نظر علمی و به طور بی‌طرفانه‌تر ثبت شوند و از تأثیرات منفی ایدئولوژیک و سیاسی جلوگیری شود.

در نهایت، تاریخ شفاهی دفاع مقدس باید به عنوان یک فرایند زنده و پویا در نظر گرفته شود که نه فقط شامل

روایت‌های مختلف از تمامی گروه‌های درگیر در جنگ باشد، بلکه به طور مستمر به‌روزرسانی شود و گسترش یابد. این فرایند باید به گونه‌ای باشد که نسل‌های آینده بتوانند از آن بهره‌برداری کنند و درکی صحیح‌تر از جنگ تحمیلی و پیامدهای آن به دست آورند. با توجه به اهمیت تاریخی و فرهنگی این منابع، تلاش برای ثبت و انتقال دقیق تجربیات جنگ به عنوان یک میراث فرهنگی گران‌بها برای آینده کشور ضروری است. تاریخ شفاهی دفاع مقدس نه فقط به تحلیل بهتر و عمیق‌تر جنگ تحمیلی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند نقشی مهم در تحقق آشتی ملی، درک و پذیرش تجربیات مختلف و حفظ وحدت اجتماعی ایفا کند. از این رو، باید در فرایند جمع‌آوری و تحلیل تاریخ شفاهی از رویکردهای علمی، بی‌طرفانه و جامع استفاده شود تا تصویری منصفانه و دقیق از جنگ تحمیلی و تأثیرات آن بر جامعه ایرانی به نسل‌های آینده منتقل شود.

منابع

- Bourdieu, P. (1990). *The logic of practice*. Stanford University Press.
- Bourdieu, P. (1991). *Language and symbolic power*. Polity Press.
- Caruth, C. (1996). *Unclaimed experience: Trauma, narrative, and history*. Johns Hopkins University Press.
- Cohen, R. (2001). *Global diasporas: An introduction*. Routledge.
- Eley, G. (2005). *A crooked line: From cultural history to the history of society*. University of Michigan Press.
- Foucault, M. (1977). *Discipline and punish: The birth of the prison*. Pantheon Books.
- Hirsch, Marianne. (1997). *Family frames: photography, narrative, and postmemory*. Harvard university press.
- Hobsbawm, E. J. E (1983). *Nations and nationalism since 1780: Program, myth, reality*. Cambridge University Press.
- Portelli, A. (1991). *The death of Luigi Trastulli and other stories: Form and meaning in oral history*. State University of New York Press.
- Rosaldo, R. (1989). *Culture and truth: The*

- remaking of social analysis*. Routledge.
- Rothberg, M. (2009). *Multidirectional memory: Remembering the Holocaust in the age of decolonization*. Stanford University Press.
- Said, E. (1978). *Orientalism*. Pantheon Books.
- Scott, J. (1985). *Weapons of the weak: Everyday forms of peasant resistance*. Yale University Press.
- Spivak, G. Ch. (1988). Can the Subaltern speak. In *Marxism and the interpretation of culture*. Urbana: University of Illinois Press.
- Thompson, P. (2000). *The voice of the past: Oral history*. Oxford University Press.
- Todorov, T. (1995). *The conquest of America: The question of the other*. HarperCollins.
- Winter, Jey. (1995). *Sites of memory, sites of mourning: The great war in European cultural history*. Cambridge University Press.